

ستخانه

ضریض

صرف در زبان فارسی

حسین سامعی

سامعی، حسین، ۱۳۳۲	سرشناسه:
صرف در زبان فارسی/ حسین سامعی.	عنوان و نام بدیدآور:
تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر:
هشت، ۱۲۱ ص.	مشخصات ظاهري:
کتاب بهار، ۱۲.	فروش:
دستور زبان فارسی، ۴.	شابک:
۰۹۶۸۳۳_۱_۴	وضعیت فهرست‌نویسی:
۹۷۸۰۰۰۱۵۰۰۰	فیبا
۱۵۰۰۰ ریال	موضوع:
	کتابنامه
	موضوع:
	نامه
	موضوع:
	فارسی - صرف
Persian language -- Morphology	موضوع:
فارسی - اسم	موضوع:
Persian language -- Noun	موضوع:
فارسی - واژه‌شناسی	موضوع:
Persian language -- Lexicology	موضوع:
PIR ۲۷۵۴/۲ ص ۱۳۹۵	ردیبدی کنگره:
۴۵۵	ردیبدی دیبورن:
۴۵۱۸۶۱۳	شماره کتاب شناسی ملی:

کتاب

حسین سامعی

صرف در زبان فارسی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: دریچه کتاب (سعید صدقی)

طراحی جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پرديس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

مراکز فروش: کتابفروشی توس (۰۶۶ ۹۵ ۵۸ ۹۵)، کتابسرای افتخارزاده (۰۶۶ ۹۵ ۴۶ ۱۰۰۷)

نشر چاپار (۰۸۸ ۸۹ ۹۶ ۸۰)

کتاب بهار (۰۹۱۲ ۱۲۲ ۶۰۰۸)

ketabebaharpub94@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار	هفت
۱ ۱	۱. تکواز و کلمه
۳ ۲	۱-۱ انواع ساخت کلمه
۳ ۳	۱-۲ تصریف
۳ ۳	۱-۳ واژه‌سازی
۵ ۵	۲. تصریف
۶ ۶	۲-۱ صرف انواع کلمه در فارسی
۶ ۶	۲-۲ تصریف اسم
۱۰ ۱۰	۲-۳ تصریف صفت
۱۲ ۱۲	۴-۱ تصریف فعل
۱۵ ۱۵	۴-۲ صیغه‌های فعلی
۲۳ ۲۳	۳. اشتراق
۲۵ ۲۵	۳-۱ اشتراق پیشوندی
۲۵ ۲۵	۳-۱-۱ پیشوندهای اصلی
۲۷ ۲۷	۳-۱-۲ پیشندواره‌ها
۳۹ ۳۹	۳-۱-۳ پیشندواره‌های غیرفارسی

شش صرف در زبان فارسی

۴۱	۲-۳ اشتقاق پسوندی
۴۲	۱-۲-۳ پسوندهای اصلی
۷۲	۲-۲-۳ پسندواره‌ها
۷۶	۳-۲-۳ پسندواره‌های غیرفارسی
۸۱	۳-۳ اشتقاق مضاعف
۸۲	۴-۳ اشتقاق صفر
۸۴	۴. ترکیب
۸۴	۱-۴ ترکیبات وصفی
۸۶	۲-۴ ترکیبات اضافی
۸۷	۳-۴ ترکیبات استنادی
۸۸	۴-۴ ترکیبات فعلی
۹۰	۵-۴ ترکیبات عطفی
۹۵	۶-۴ ترکیبات نحوی
۱۰۰	۷-۴ پیچیدگی در واژه‌سازی: آمیختگی ترکیب و اشتقاق
۱۰۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۰۴	فهرست بن‌های فعلی
۱۰۷	نمایة وندها و وندواره‌ها
۱۰۹	نمایة مثال‌ها
۱۲۸	نمایة موضوعی

پیش‌گفتار

در سنت دستوری فارسی، به تبع سنت عربی، صرف آن بخش از دستور است که به مبحث کلمه می‌پردازد. این بخش معمولاً با معرفی انواع کلمه (اسم، فعل، صفت، حرف، و جز آن) آغاز می‌شود، سپس تغییرات تصیری فی هریک از انواع به دست داده می‌شود، و در پایان ساختمان واژه‌ساختی هریک (صفت فاعلی، صفت مفعولی، اسم مصدر، اشتقاد، ترکیب، و جز آن) مورد بحث قرار می‌گیرد. در دستورنویسی جدید فارسی، در پی نظریات زیان‌شناسی جدید، مبحث انواع کلمه کاملاً به بخش نحو رانده شده است و صرف صرفاً ساختمان کلمه، اعم از تصrif و واژه‌سازی، را در بر می‌گیرد.

این کتاب، در اصل، بخشی از یک کارگروهی^۱ بوده است که نگارنده تألیف آن را بر عهده داشت و به سفارش وزارت آموزش و پرورش و برای تدریس در مراکز تربیت معلم فراهم آمد. این بخش، برای این چاپ مستقل، بازنگری شد، پاره‌ای از مطالب تغییر کرد، و مطالبی تازه نیز به آن اضافه شد. این یک متن درسی است که موضوع آن ساختمان کلمه در زبان فارسی است و مخاطب آن دانشجویان رشته‌های مختلف،

۱) علی محمد حق‌شناس، حسین سامعی، مهدی سماوی، و علاءالدین طباطبائی. دستور زبان فارسی. وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵.

هشت صرف در زبان فارسی

به ویژه زبان و ادبیات فارسی، است. از این‌رو، این کتاب حاوی هیچ بحث نظری مستقیمی نیست، هرچند به مفاهیم، اصطلاحات، و مباحث زبان‌شناسی جدید، درباره صرف، نظر دارد و از آن‌ها، در حد لازم، بهره می‌گیرد.

چاپ این کتاب به پیشنهاد و همت آقای مهندس احمد خندان صورت می‌گیرد. نگارنده صمیمانه از ایشان تشکر می‌کند و امیدوار است چاپ مجدد آن به کار دانشجویان و علاقهمندان این بحث بیاید.

حسین سامعی

آبان ۱۳۹۵

۱. تکواز و کلمه

موضوع علم صرف بررسی ساختمان کلمه است.

همان طور که احتمالاً می‌دانید، کلمه واحدی است که، در جمله، در ساخت گروه^۱ شرکت دارد. هر گروه از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود. به جمله زیر توجه کنید:

ترکمنستان بزرگ‌ترین همسایه شمالی ایران است.

در این جمله دو گروه وجود دارد:

(۱) ترکمنستان

(۲) بزرگ‌ترین همسایه شمالی ایران است

گروه اول یک گروه اسمی است و تنها از یک کلمه ترکمنستان تشکیل شده است. گروه دوم یک گروه فعلی است که خود از یک گروه اسمی (بزرگ‌ترین همسایه شمالی ایران) و یک فعل (است) تشکیل شده است.

(۱) گروه مجموعه‌ای از کلمه‌ها (یا حتی یک کلمه) و واحدهای نحوی دیگر است که در ساختمان جمله (یا بند) نقش نحوی معینی به عهده دارد. مهم‌ترین گروه‌ها عبارت‌اند از گروه اسمی (مشکل از یک اسم یا ضمیر و واپسته‌های آن، مانند مرد، مردی، این مرد خشن، این مردی که کنار خیابان ایستاده است)، گروه فعلی (مشکل از یک فعل و واپسته‌هایش، مانند می‌بینید، فیلم می‌بینید، با چه‌ها فیلم می‌بینید، امشب با بچه‌ها فیلم می‌بینید)، و گروه حرف‌اضافه‌ای (مشکل از یک حرف‌اضافه و واپسته‌اش، مانند روی میز). در منابع دستوری از گروه‌های دیگری همچون گروه صفتی و گروه قیدی هم صحبت می‌شود.

در ساختمان این گروه اسمی چهار کلمه بزرگ‌ترین، همسایه، شمالی، و ایران وجود دارد و البته در گروه فعلی هم فقط فعل است دیده می‌شود که یک کلمه است.

کلمه کوچک‌ترین واحد نحوی است که دارای معناست و معمولاً می‌تواند به صورتی مستقل در ساختمان گروه به کار رود. علاوه بر این‌ها، کلمه دارای نقش دستوری است، یعنی هر کلمه حداقل به یک طبقه دستوری معین تعلق دارد (مثلاً اسم، صفت، فعل، و جز آن) و در گروه یا جمله نقش معینی به عهده می‌گیرد (مثلاً موصوف، مضافق‌الیه، مفعول، و جز آن). به گروه اسمی زیر توجه کنید:

بزرگ‌ترین همسایه شمالی ایران

بزرگ‌ترین یک صفت عالی است که اسم همسایه را توصیف می‌کند؛ همسایه یک اسم است و در اینجا نقش هسته گروه اسمی (موصوف و مضافق‌الیه) را دارد؛

شمالی صفت است و در اینجا باز اسم همسایه (موصوف) را توصیف می‌کند؛ ایران نیز اسم است و نقش مضافق‌الیه را برای اسم همسایه (مضافق) به عهده دارد.

اما کلمه نیز خود از یک یا چند واحد کوچک‌تر به نام تکواز ساخته می‌شود. در دستور، تکواز کوچک‌ترین واحد معنادار است، اما، برخلاف کلمه، لازم نیست همیشه به صورتی مستقل به کار رود. به کلمه‌های دو گروه اسمی و فعلی زیر توجه کنید:

(۱) ترکمنستان

(۲) بزرگ‌ترین همسایه شمالی ایران است

ترکمنستان از دو تکواز ترکمن و سтан ساخته شده است که اولی ممکن است به صورتی مستقل هم به کار رود اما دومی همواره باید همراه تکواز دیگری باشد؛ بزرگ‌ترین از سه تکواز بزرگ، تر، و ین ساخته شده است که تنها اولی به صورتی مستقل هم به کار می‌رود؛ همسایه از دو تکواز هم و سایه ساخته شده است که هر دو ممکن است مستقل‌اً هم به کار روند؛

شمالی از دو تکواز شمال وی ساخته شده است که تنها اولی به صورتی مستقل به کار می‌رود؛

ایران تنها از یک تکواز مستقل ساخته شده است؛
است تنها از یک تکواز مستقل ساخته شده است.

۱-۱ انواع ساخت کلمه

گفتیم که تکوازها با یکدیگر ترکیب می‌شوند و کلمات را می‌سازند. اما چرا چنین اتفاقی می‌افتد و چه رابطه‌ای میان تکوازها پدید می‌آید؟ تکوازها به دو علت با یکدیگر ترکیب می‌شوند و دو نوع رابطه میان آن‌ها برقرار می‌شود: تصrif و واژه‌سازی.

۱-۲ تصrif

تصrif تغییر منظم ساختمان و شکل کلمه است برای پذیرش نقش نحوی و کاربرد در ساخت گروه (یا جمله). در این فرایند هیچ کلمه تازه‌ای ساخته نمی‌شود بلکه تنها شکل کلمه موجود تغییر می‌کند. مثلاً، دو کلمه خورد و خوردن را در دو جمله زیر با هم مقایسه کنید:

- (۱) علی تمام غذا را خورد.
- (۲) علی و برادرش تمام غذا را خوردن.

این دو کلمه، از لحاظ ساختمان، با یکدیگر متفاوت‌اند، اما کاربرد و معنای اصلی آن‌ها یکی است: هر دو «فعل متعدد» هستند و بر مفهوم عمل «خوردن» دلالت می‌کنند. این دو، در حقیقت، شکل‌های «فرد» و «جمع» یک فعل ماضی هستند که به علت تفاوت در ساختمان جمله‌ها (نهادهای مفرد و جمع) ایجاد شده‌اند.

تصrif کلمه‌ها در زیان فارسی به تفصیل در فصل دوم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۳ واژه‌سازی

واژه‌سازی ترکیب تکوازها و کلمات موجود زیان است برای ساختن کلمه تازه. مثلاً، سه کلمه زیر را در نظر بگیرید و آن‌ها را با هم مقایسه کنید:

- (۱) زرد
- (۲) زردتر
- (۳) زرده

زرد یک صفت است که از یک تکواز تشکیل شده است و معنای معینی دارد. زرددتر از ترکیب صفت زرد با تکواز «تفضیلی» تر ساخته شده است، اما از لحاظ نقش نحوی و نیز معنای اصلی تفاوتی با زرد ندارد؛ هر دو صفت هستند و بر رنگ معینی دلالت می‌کنند. کلمه زرده نیز از ترکیب صفت زرد با تکواز «نسبت» ه («های غیرملفوظ») ساخته شده است، اما نقش نحوی و معنای آن با نقش و معنای کلمه زرد کاملاً متفاوت است: زرده اسم است و، از لحاظ معنا، بر «بخش زردنگ درونی تخم مرغ» دلالت می‌کند.

از نظر واژه‌سازی، هر کلمه سه ساختمان عمدۀ تکوازی دارد: بسیط، مشتق، و مرکب.

بسیط کلمه‌ای است که تنها از یک تکواز ساخته شده است؛ یا، به عبارت دیگر، از لحاظ واژه‌سازی، ساختمان ندارد، مانند کلمات زرد، من، و غروب. مشتق کلمه‌ای است که از بیش از یک تکواز ساخته شده است و در ساختمان آن دست‌کم یکی از تکوازها «مقید» است، یعنی نمی‌تواند به طور مستقل به عنوان یک کلمه به کار رود؛ مانند کلمات کارگر و نالیمید که در آن‌ها، به ترتیب، تکوازهای گرو نانمی‌توانند به صورتی مستقل و به عنوان یک کلمه به کار روند. ساختمان کلمات مشتق به تفصیل در فصل سوم مورد بحث قرار می‌گیرد.

مرکب کلمه‌ای است که آن هم از بیش از یک تکواز ساخته شده است، اما در ساختمان آن تمام تکوازها، همانند کلمات، کاربرد مستقل دارند، یا به اصطلاح «آزاد» هستند، مانند گلاب و شترمرغ. ساختمان کلمات مرکب در فصل چهارم به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲. تصریف

تصریف، همان طور که پیش از این گفتیم، تغییر منظم ساختمان و شکل کلمه است برای پذیرش نقش نحوی و کاربرد در ساخت گروه (یا جمله). هر یک از ساختمان‌ها یا شکل‌های متفاوت یک کلمه را صیغه آن کلمه می‌نامند. مثلاً، به جمله زیر توجه کنید:

امروز بچه‌ها به گردش می‌روند.

در این جمله، کلمه بچه‌ها صیغه جمع اسم بچه است، چون گوینده می‌خواهد از بیش از یک بچه صحبت کند و، درنتیجه، مقصود وی در اینجا اقتضا می‌کند که صیغه جمع اسم به کار رود. کلمه می‌روند صیغه سوم شخص مفرد وجه اخباری زمان مضارع فعل رفتن است، چون، علاوه بر مقصود گوینده، ساختمان جمله نیز اقتضا می‌کند که در اینجا چنین صیغه‌ای به کار رود. فعل رفتن می‌تواند صیغه‌های دیگری هم داشته باشد: می‌روم، می‌رفتند، بروم، رفته‌ام، و جز آن. بنابراین، هر کلمه می‌تواند، متناسب با نقش نحوی یا معنایی‌ای که در گروه یا جمله به عهده می‌گیرد، ساختمان متفاوتی پیدا کند و شکل تازه‌ای به خود بگیرد.

۱-۲ صرف انواع کلمه در فارسی

از میان طبقات مختلف کلمه‌ها در فارسی، تنها سه طبقه اسم^۱، صفت، و فعل دارای ساختمان و صیغه‌های مختلف تصریفی هستند.

۲-۲ تصریف اسم

تصریف اسم در فارسی حالات مختلف اسم را بر حسب شمار نشان می‌دهد. از لحاظ شمار، اسم‌ها در زبان فارسی دو صیغه دارند: مفرد و جمع.

مفرد صیغه‌ای از اسم است که، از لحاظ ساختمان تصریفی، ساده است، یعنی هیچ تکواز دیگری که نشانه مفرد بودن کلمه باشد به آن ملحق نمی‌شود یا، آن‌طور که به اصطلاح می‌گویند، یک تکواز «صفر» به آن می‌پیوندد. از لحاظ معنایی، اسم مفرد معمولاً دلالت بر شمار «یک» دارد.^۲ کلمه‌های زیر صیغه‌های مفرد اسمی هستند: میز، درخت، مکاتبه، روحانی، بازرس

جمع صیغه‌ای از اسم است که، از لحاظ ساختمان تصریفی، تکواز یا تکوازهای جمع آن را همراهی می‌کنند. از لحاظ معنایی، اسم جمع معمولاً دلالت بر شمار «بیش از یک» دارد. برای ساختن صیغه جمع در فارسی، تکوازهای جمع به آخر اسم مفرد می‌پیوندند. این تکوازها گونه‌های مختلفی دارند که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تکوازهای فارسی و تکوازهای غیرفارسی (عربی) تقسیم کرد. استفاده از این تکوازها برای جمع بستن اسم‌ها در فارسی، جز در مورد تکواز‌ها، «سماعی» است، یعنی در فارسی باقاعده نیست، عمومیت ندارد، و باید اسم‌هایی را که با آن‌ها به کار می‌روند به خاطر سپرد.

الف) تکوازهای جمع فارسی

۱) -ها

(۱) در اینجا، اسم هم شامل اسم‌های حقیقی است (یعنی کلماتی که برای نامیدن موجودات به کار می‌روند) و هم طبقاتی از کلمات که در ساختمان جمله به جای اسم به کار می‌روند (مانند ضمیرهای شخصی، اسم‌های اشاره، مبهمات، و نیز صفت‌های جانشین اسم).

(۲) علاوه بر این معنای معمول، صیغه مفرد اسم بر مفهوم «جنس» نیز دلالت می‌کند، یعنی طبقه‌ای از چیزها مثلاً وقتی می‌گوییم او میوه دوست نداود یا سبب برای سلامتی خوب است، کلمه‌های میوه و سبب بر هیچ تعدادی از این چیزها (نه یک و نه بیشتر از یک) دلالت نمی‌کنند، بلکه کلیت آن‌ها را نشان می‌دهند.

۷ تصریف

این تکواز فعال‌ترین نشانه جمع فارسی است و تقریباً با تمام اسم‌های موجود در فارسی به کار می‌رود:

میز > میزها

کتاب > کتابها

بچه > بچهها

مرد > مردها

اسم‌های جمعی که با این تکواز ساخته می‌شوند باقاعده به شمار می‌روند، و معنا و کاربرد آن‌ها همواره قابل پیش‌بینی است.^۱

(۲)-ان

این تکواز غالباً برای جمع بستن اسم جانداران (انسان و حیوان) به کار می‌رود:

مرد > مردان

اسب > اسبان

سگ > سگان

همچنین، بعضی از اعضای بدن که جفت هستند نیز با این تکواز جمع بسته می‌شوند:

دست > دستان

چشم > چشمان

انگشت > انگشتان

علاوه‌براین، در مورد برخی اسم‌های دیگر نیز گاه این تکواز برای جمع به کار

می‌رود:

درخت > درختان

سخن > سخنان

از آنجاکه این تکواز با یک صوت آغاز می‌شود، در هنگام الحاق آن به اسم تغییراتی آوایی در صیغه جمع حاصل صورت می‌گیرد. این تغییرات عبارت‌اند از:

(۱) به این گروه باید صورت جمع اسم‌های اشاره این و آن را نیز اضافه کرد: این‌ها، آن‌ها. همچنین، ضمیر مبهم بعضی و دو ضمیر شخصی ما و شما، تقریباً بدون تغییر در معنا، به صورت بعضی‌ها، ماهه، و شماها جمع بسته می‌شوند.

۸ صرف در زبان فارسی

- هنگامی که اسم به مصوت کسره (یا «های غیرملفوظ») ختم می‌شود، معمولاً تکواز
ان به صورت -گان تغییر شکل می‌دهد:

بنده > بندگان

ستاره > ستارگان

نویسنده > نویسنده‌گان

- هنگامی که اسم به مصوت «ا» ختم می‌شود، شکل تکواز -ان به صورت -یان تغییر
می‌کند:

آشنا > آشنايان

آقا > آقایان

- هنگامی که اسم به مصوت «و» ختم می‌شود، گاه تکواز -ان به صورت -یان تغییر
می‌کند:

دانشجو > دانشجويان

ماهر و > ماهر ويان

- هنگامی که اسم به مصوت «و» ختم می‌شود، گاه تلفظ «و» به «ءُو» تغییر می‌کند:

باز و > بازو ان

ابرو و > ابرو ان

کاربرد -ان به عنوان تکواز جمع خاص زبان ادبی فارسی است و معمولاً در نوشتار به
کار می‌رود.^۱

اسم‌های جمعی که با تکواز -ان ساخته می‌شوند کاملاً باقاعده به شمار نمی‌روند،
چون همیشه نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که با کدام اسم‌ها به کار می‌روند. همچنین، معنا و
کاربرد آن‌ها نیز همواره قابل پیش‌بینی نیست، چون بعضی از این اسم‌های جمع برای
شاره به نام مجموعه‌ها به کار می‌روند، مانند گلس‌خیان یا سگسانان.

ب) تکوازهای جمع عربی
۳)-ات

(۱) به این گروه باید صورت جمع اسم‌های اشاره این و آن را نیز اضافه کرد: اینان، آنان.

تصrif ۹

این تکواز بیشتر به اسم‌های عربی و گاه فارسی‌ای می‌چسبد که بر موجودات غیرجاندار و نیز مفاهیم انتزاعی و اعمال دلالت می‌کنند:
اشتباه > اشتباهات

باغ > باغات

گزارش > گزارشات

از آنجاکه این تکواز با یک مصوت آغاز می‌شود، در هنگام الحق آن به اسم‌هایی که به مصوت کسره (یا «های غیرملفوظ») ختم می‌شوند، معمولاً «ه» از آخر اسم حذف می‌شود:

مکاتبه > مکاتبات

فرضیه > فرضیات

کاربرد ات، به عنوان تکواز جمع در فارسی، بیشتر در گونه رسمی فارسی و در نوشтар دیده می‌شود.

کاربرد این تکواز در فارسی باقاعده و قابل پیش‌بینی نیست. پاره‌ای از کلماتی که این تکواز را پذیرفته‌اند دیگر اسم جمع به شمار نمی‌روند، بلکه اسم مجموعه هستند، مانند تشکیلات یا عملیات.

۴-ون

این تکواز برای جمع بستن برخی از اسم‌هایی که از عربی وارد فارسی شده‌اند به کار می‌رود:

ملي > مليون

روحانی > روحاپیون

کاربرد این تکواز در فارسی باقاعده و قابل پیش‌بینی نیست.

۵-ين

این تکواز برای جمع بستن برخی از اسم‌هایی که از عربی وارد فارسی شده‌اند به کار می‌رود:

معلم > معلمين

حاضر > حاضرين

در پاره‌ای موارد، کلمات فارسی نیز با آن جمع بسته شده‌اند:
بازرس > بازرسین

کاربرد این تکواز در فارسی باقاعده و قابل پیش‌بینی نیست.

(۶) علاوه بر این تکوازها، بسیاری از کلمات عربی که وارد فارسی شده‌اند، طبق قواعد زبان عربی، به صورت «مكسر» جمع بسته می‌شوند. جمع مكسر شکلی از جمع است که در آن صورت مفرد اسم در هم می‌ریزد، بعضی از صداها (یا حروف) آن حذف می‌گردد، صداها (یا حروف) تازه‌ای به آن اضافه می‌شود، و غالباً مصوت‌های آن تغییر می‌کند:

مکتب > مکاتب

سنن > سنن

اثر > آثار

قاضی > قضاط

شاهد > شهود

گاه کلمات فارسی نیز به این صورت جمع بسته شده‌اند:

فرمان > فرامین

استاد > اساتید

برخی از جمع‌های مكسر عربی در فارسی مفرد به شمار آمده‌اند و مجدداً به شیوه

فارسی جمع بسته شده‌اند:

ارباب > اربابان

طلبه > طلبها

جواهر > جواهرات

کاربرد این شیوه جمع نیز در فارسی باقاعده و قابل پیش‌بینی نیست.

۳-۲ تصریف صفت

تصریف صفت بیانی^۱ در فارسی درجات مختلف صفت را بر حسب سنجش نشان می‌دهد.

(۱) اطلاق صفت بیانی به این دسته از کلمات از آن روست که لفظ «صفت» را، در عین حال، در اشاره به انواع دیگری از کلمات نیز به کار برده‌اند که در کاربرد به صفت بیانی شباهت دارند، مانند «صفت اشاره» (این، آن)، ←